



گزارشی از نشست  
«ژانر وحشت در ادبیات و روان‌شناسی کودک»

## کودکان و ادبیات ژانر وحشت

### مریم نبی‌زاده

«شیرین ولی‌زاده» کارشناس روان‌شناسی کودک در نشست بررسی «ژانر وحشت در ادبیات و روان‌شناسی کودک» که در سرای اهل قلم برگزار شد، با بیان این‌که «هیچ چیز به اندازه‌ی لیخند و خنده شادمانه‌ی کودکان زیبا نیست»، افزود: دنیای کودکان مان سرشار از آرامش است، اما دغدغه‌هایی نیز بر آن حکم‌فرماست که در قالب ترس ظاهر می‌شود. در نشستی که عصر شنبه، ۱۷ مهر ماه به مناسبت روز جهانی کودک با حضور چیستا یثربی نمایش‌نامه‌نویس، شیرین ولی‌زاده کارشناس حوزه‌ی روان‌شناسی کودک و سپیده باطنی دبیر نشست در سرای اهل قلم خانه‌ی کتاب برگزار شد؛ دست‌اندرکاران برگزاری نشست‌ها این‌بار به جای نقد و بررسی کتاب، به مناسبت روز جهانی کودک، بررسی «ژانر وحشت در ادبیات و روان‌شناسی کودک» سرفصل نشست این هفته قرار داده و کارشناسان و منتقدان حوزه‌ی ادبیات و روان‌شناسی در این‌باره به بحث و گفت‌وگو پرداختند.

در ابتدای این نشست، دکتر «چیستا یثربی» کارگردان، نمایش‌نامه‌نویس و استاد دانشگاه با اشاره به این‌که پیشینه‌ی ادبیات کودک در ایران موجود نیست؛ از کتاب «مقدمه‌ای بر ادبیات کودک در ایران» نوشته‌ی حمیدرضا شاه‌آبادی‌فراهانی به عنوان منبع مورد استفاده خود در خصوص واکاوی منشأ و مبدأ ادبیات کودک نام برد که در آن به بررسی تحول تاریخی مفهوم دوران کودکی، چگونگی آن و ادبیات کودک در دوران جدید در اروپا و ایران پرداخته شده است.

یثربی گفت: اساساً در طول تاریخ ایران زمین، ژانری تحت عنوان ادبیات کودک نداشتیم. ادبیاتی که مخاطبش صرفاً کودک باشد، در عصر صفویه و قاجار وجود نداشته و حتی دوره‌ی رضا شاه نیز بدین منوال گذشته است.

این نمایش‌نامه‌نویس زمان به اوج رسیدن ادبیات کودک را خنده‌دار و عجیب توصیف کرد و اظهار داشت: ادبیات کودک ایران‌زمین از سیاست شکل گرفت و آن هنگامی بود که افرادی مانند صمد بهرنگی، علی‌اشرف درویشیان و سایرین سعی کردند در شرایطی که ادبیات بزرگسال اجاره‌ی انتشار نداشت، مفاهیم سیاسی مورد نظر خود را در ژانر ادبی کودک، گنجانده و مطرح سازند.

وی از قصه‌های صمد بهرنگی به عنوان «داستان‌های تلخ» نام برد و گفت: خواننده پس از مطالعه داستان‌ها این پرسش را مطرح می‌کند که آیا این نوع نوشتار، ادبیات کودک به حساب می‌آید؟ این استاد دانشگاه با بیان این‌که در طول قرن‌ها، برخی حکایات گلستان سعدی، بخشی از نظامی‌گنجوی و حکایت‌های

عبید زاکانی را جزء ادبیات به شمار آورده‌ایم، اظهار داشت: در دوران معاصر با پدیده‌های مشابهی مواجه‌ایم. احمدرضا احمدی نیز شاعری است که در قالب ادبیات کودک و نوجوان شعر می‌سراید، اما خود را شاعر این قالب ادبی نمی‌داند.

از احمدرضا احمدی به عنوان شاعر بزرگسالان و نویسنده کتاب‌های کودکان یاد می‌شود. وی در مصاحبه‌ای گفته بود: اگرچه خیلی‌ها می‌گویند که شعرهایم منتسب به کودک و نوجوان است با این حال من برای بزرگسالان، کودکان و هر رده‌ی سنی دیگری شعر سروده‌ام و برای سروده‌هایم تفاوت سنی قایل نیستم.

یثربی در بخش دیگری از سخنان خود، استرس‌ها، تنش‌ها و تعارضات حاکم بر جوامع را سرآغازی برای استفاده از ژانر وحشت در ادبیات، خاصه ادبیات کودک عنوان کرد و گفت: زمانی که جامعه‌ای تحت فشار قرار می‌گیرد افراد جامعه، ناخودآگاه، دچار تنش شده و نقل داستان‌های وحشت، باب می‌شود. از این‌رو، می‌توان گفت که این پدیده به نوعی زاینده تمدن صنعتی مدرن است.

وی از فیلم «دیگران» با بازی «نیکول کیدمن» به عنوان نمونه‌ای از ژانر وحشت یاد کرد که ایده‌ی ساخت و پرداخت آن به خاطر تنش‌های جنگ دوم جهانی پدید آمده است.

در این فیلم، زنی تنها به تصویر کشیده شده که همسر خود را در جنگ از دست داده و به همراه دو کودک خود در خانه‌ای قدیمی به سر می‌برد. او به تنهایی از عهده‌ی اداره‌ی زندگی بر نمی‌آید. فشارهای حاصل از تنهایی و بزرگ کردن دو کودک که پوست‌شان به نور آفتاب حساسیت دارد، باعث می‌شود در یک لحظه جنون‌آمیز، شبانه، روی صورت فرزندانش بالشت بگذارد و آنان را خفه سازد.

چیستا یثربی در این‌باره تأکید کرد: این فیلم، فیلم کودک نیست، اما نمایش چنین فیلم وحشتناکی در جشنواره‌ی کودک و نوجوان به معنی احساس نیاز به این ژانر ادبی و سینمایی است.

وی با انتقاد از منع کودکان و نوجوانان از خواندن و مشاهده‌ی روایت‌های وحشتناک می‌گوید: پدران و مادران تحصیل کرده تقریباً قصه‌های وحشتناک را زمانی برای کودکان‌شان ممنوع می‌کنند که یافته‌های روانکاوی، بر ضرورت آگاهی‌بخشی آن‌ها دلالت دارد.

طبق اظهار نظر روان‌شناسی مانند پتنام، در هر کودک یک عفریت وجود دارد. این جمله اگر به زبان آورده شود در خیلی از کشورها و در میان پژوهشگران و کارشناسان، حکم ارتدادش صادر می‌شود، ولی در کودک، خیر و شر با هم آمیخته است. درون کودک هم جنبه‌ی روشن و هم جنبه‌ی تاریک وجود دارد.

یثربی گفت: عفریت در این‌جا به مفهوم عفریت صادق هدایت نیست. منظور این نیست که هر کودک با جن زاده شده، بلکه بدین معنی است که هر کودکی توانایی درک کار خلاف را به خوبی دارد. کودک، مینیاتوری از بزرگسال به مفهوم مطلق و یا فرشته نیست. از تیزهوش‌ترین تا عقب‌مانده‌ترین کودکان، تمایلات خلاقانه‌ی فوق‌العاده مفید و در عین حال مخرب دارند و برای این است که عاشق ژانر وحشت می‌شوند.

چارلز دیکنز در جایی گفته بود: انگیزه‌های ویرانگری مثل دیو، گرگ درنده و غیره از بچگی در وجود من بود، ولی فکر می‌کردم که این‌ها بخش‌های نفرت‌انگیزی از وجود من هستند.

فقط زمانی با آن‌ها آشتی کردم که داستان‌های وحشتناکی خواندم که در آن‌ها واقعاً گرگ‌ها و دیوها وجود دارد.

یثربی در این‌باره توضیح داد: در وجود کودکانی مانند چارلز دیکنز، این ترس همیشه وجود دارد که با بخش‌های تاریک درون‌شان چه کار کنند و اگر والدین این بخش‌ها را منکر شوند، آنان تصور می‌کنند بچه‌های بدی هستند که به این مسائل فکر می‌کنند. چارلز دیکنز به گفته‌ی خودش تا قبل از این، احساس گناه می‌کرد ولی وقتی کتاب‌های خوبی درباره‌ی گرگ و دیو خواند، به این نتیجه رسید که من گرگ و دیو نشدم، بلکه راه مواجه شدن با گرگ و دیوهای جامعه را فرا گرفتم.

وی فاکتورهایی مانند ترس مشترک، راه مواجهه با آن و هم‌ذات‌پنداری را سه ویژگی مشترک داستان‌های جنایی و ژانر وحشت برشمرد و اظهار داشت: ترس از آسیب دیدن و مرگ، همیشه جزئی از ناخودآگاه جمعی بشر بوده و تنها راه مقابله با آن، استفاده از قصه‌درمانی است. در ادبیات وحشت خوبی مانند داستان‌های آگاتا کریستی، غلبه بر ترس‌های مشترک آدمی، راهکار مشترکی دارد. ابتدا باید ترس را پذیرفت، هم‌ذات‌پنداری کرد و شیوه‌ی درست برخورد با آن را فرا گرفت.

این استاد دانشگاه مشاهده‌ی فیلم وحشتناک را مثل خواندن کتاب وحشتناک برای کودکان و نوجوانان ضروری خواند و تأکید کرد: این مسئله، ذهن را قوی می‌کند و کودک را برای مقابله با آدم‌های بد آماده می‌سازد. منتهی باید کودک را اندک اندک به دنیای وحشت وارد کرد. ابتدا او را با «کلاه قرمزی»، سپس با «دیوِ دوسر»، بعد «شاهزاده قورباغه طلسم شده» و...



چیستا یثربی

آشنا سازید. چنانچه کودک را اندک اندک با ژانر وحشت آشنا سازیم ترس، جای خود را به شناخت می‌دهد. کودک باید نیروهای شرّ و افراد شرور را بشناسد و نحوه‌ی مواجهه با شرارت را بیاموزد.

«فیلیپ پلمن» نویسنده‌ی داستان‌های وحشت از جنس دراکولا و خون‌آشام می‌گوید: نشانه‌هایی که می‌تواند ابعاد ناپیدای شخصیت کودک را آشکار سازد و جنبه‌هایی از آن‌چه درون اوست و ما نمی‌بینیم نشان بدهد، در جاذبه‌ای است که شخصیت‌های شرّ برای او دارند. پس بگذارید بخوانند. من دراکولاها را شیرین‌ترین طراحی می‌کنم.

توصیه‌ی نهایی چیستا یثربی برای پیشگیری از بروز آسیب‌های اجتماعی و آموزش راه‌های مواجهه با آسیب‌ها استفاده از موضوعات و مباحث قصه‌درمانی در کتاب هنر دانش‌آموزان است.

وی معتقد است: چنانچه شرّ و شرارت در کنار خیر و نیکی در کتاب‌های درسی مطرح شود، کودک و نوجوان با ترس آشنا شده و راه‌های مواجهه با آن را فرا می‌گیرند. این اقدام، کودکان و نوجوانان را از گرفتار شدن در دام آزارهای جنسی و آسیب‌های اجتماعی، آگاه ساخته و آنان را برای رویارویی با مشکلات آماده می‌سازد.

در ادامه‌ی این نشست «شیرین ولی‌زاده» کارشناس ارشد روان‌شناسی و استاد دانشگاه، به مسئله‌ی هم‌ذات‌پنداری و همانندسازی در دوران کودکی و نوجوانی و نیز تأثیرات خواندن داستان‌های وحشت بر روی نحوه و بیان احساسات کودکان پرداخت.

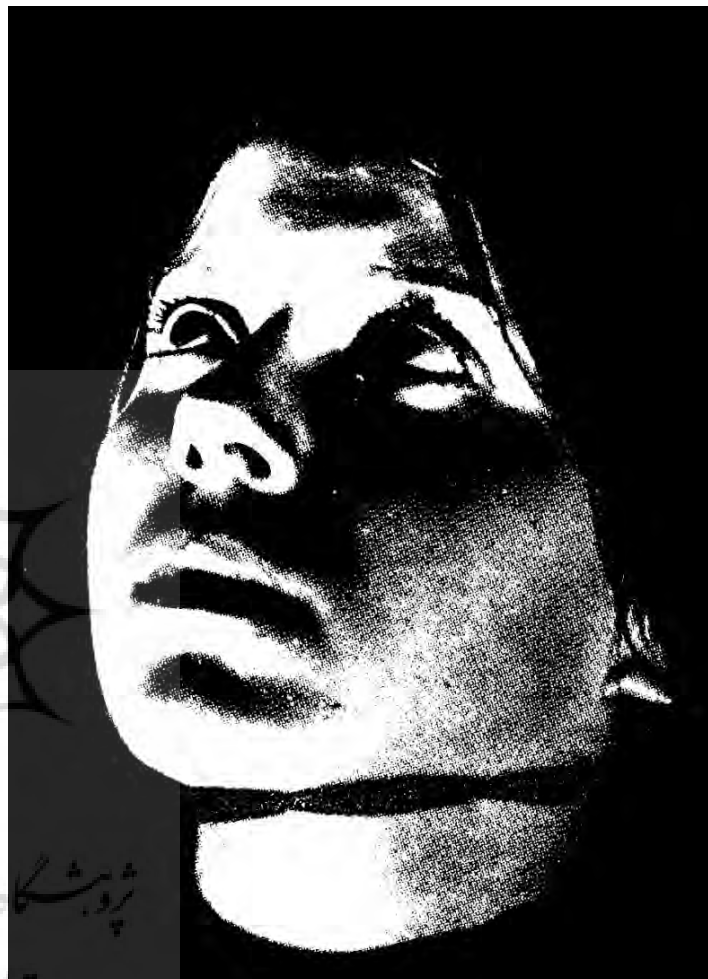
وی به‌کارگیری ژانر وحشت را در پیشینه‌ی ادبیات کشورمان کم‌رنگ توصیف کرد و گفت: این ژانر ادبی نه این‌که در ایران نبوده، بلکه شفاهی بوده و در کوچه و بازار روایت می‌شده است. نمونه‌ی بارز آن دیو دو سر و لولوست که غالباً والدین، کودکان را از این‌ها می‌ترسانند.

تمثیل‌ها و استعاره‌های به‌کار رفته در ادبیات وحشت کودک و نقش آن روی تغییرات شناختی-عاطفی به اثبات رسیده و این پرسش که چرا کودک می‌ترسد توجه بسیاری از نظریه‌پردازان و کارشناسان را به خود معطوف کرده است.

به اعتقاد ولی‌زاده، هیچ چیز زیباتر از مشاهده‌ی لبخند و خنده‌ی شادمانه‌ی کودکان‌مان نیست، با این‌که دنیای کودکان‌مان سرشار از آرامش است، اما دغدغه‌هایی نیز بر آن حکم فرماست که در قالب ترس ظاهر می‌شود.

وی افزود: کودک شما اگر می‌خواهد بر ترس خود غلبه کند، باید خواندن داستان‌های وحشت را از آلیس در سرزمین عجایب آغاز کند. آلیس در کنار عجایبی که دارد ترس‌ها، خوبی‌ها و راه‌های مواجهه با مشکلات را به کودک آموزش می‌دهد.

این کارشناس مسائل روان‌شناسی با بیان این‌که از شروع ۷ تا ۹ سالگی تمامی کودکان درگیر مسائل وحشتناک بوده و به نوعی از جانوران و یک‌سری عروسک‌های مختلف می‌ترسند، افزود: بیش‌تر روان‌شناسان کودک در خصوص ترس کودکان با واقعیت انکارناپذیر والدین مواجه هستند، چرا که آن‌ها ترس و شرّ را برای فرزندان خود بازگو نکرده و فرزندان‌شان پس از دیدن فیلم و خواندن داستان وحشتناک دچار ترس می‌شوند.



ولی‌زاده از سال ۱۸۱۸ به عنوان زمان شروع نوشتن داستان‌های ترسناک دراکولا و خون‌آشام نام برد و اظهار داشت: با این‌که چند دهه‌ی گذشته قرار بر این شد که داستان‌های وحشتناک جای خود را به داستان‌هایی با دیدگاه مثبت بدهند، اما نتیجه این شد که کودکی که ترس را تجربه نکرده در اجتماع جذب افراد شرور شده و سرنوشت وحشتناکی برایش رقم خورده است.

در ادامه‌ی این نشست، یثربی گفت: به عقیده‌ی یونگ روان‌شناس معروف، هیولا جزئی از ناخودآگاه جمعی بشر است و از درونی که بشر غذا خوردن را یاد گرفت با ترس و وحشت نیز آشنا شد، به این علت که با غذا خوردن هوش و حواس او از اطراف دور شد و ناگهان اتفاقاتی نظیر زلزله، حمله‌ی حیوانات وحشی و بسیاری از مسائل دیگر رخ داد. یونگ معتقد است که چیزی به نام هیولا در تمامی کودکان و بزرگسالان وجود دارد.

وی با تعریف مفهوم «فوبی» به معنای برخی ترس‌های مرضی و بیماری، اظهار داشت: با وجود بازی‌های رایانه‌ای در دنیای امروز و تجربه‌ی وحشت و استرس در کودکان و نوجوانان، باز هم تجربه‌ی تخیلات انسان اولیه با خطرات اطرافش ترسناک‌تر از امروز بود. «قصه‌درمانی» راه مقابله و مواجه شدن با ترس است. انسان به دلیل مرگ‌آگاه بودن، می‌ترسد و این ترس به هر نوعی در بچه‌ها و بزرگسالان وجود دارد. داستان وحشت به ترسیم ترس در ذهن افراد کمک می‌کند.